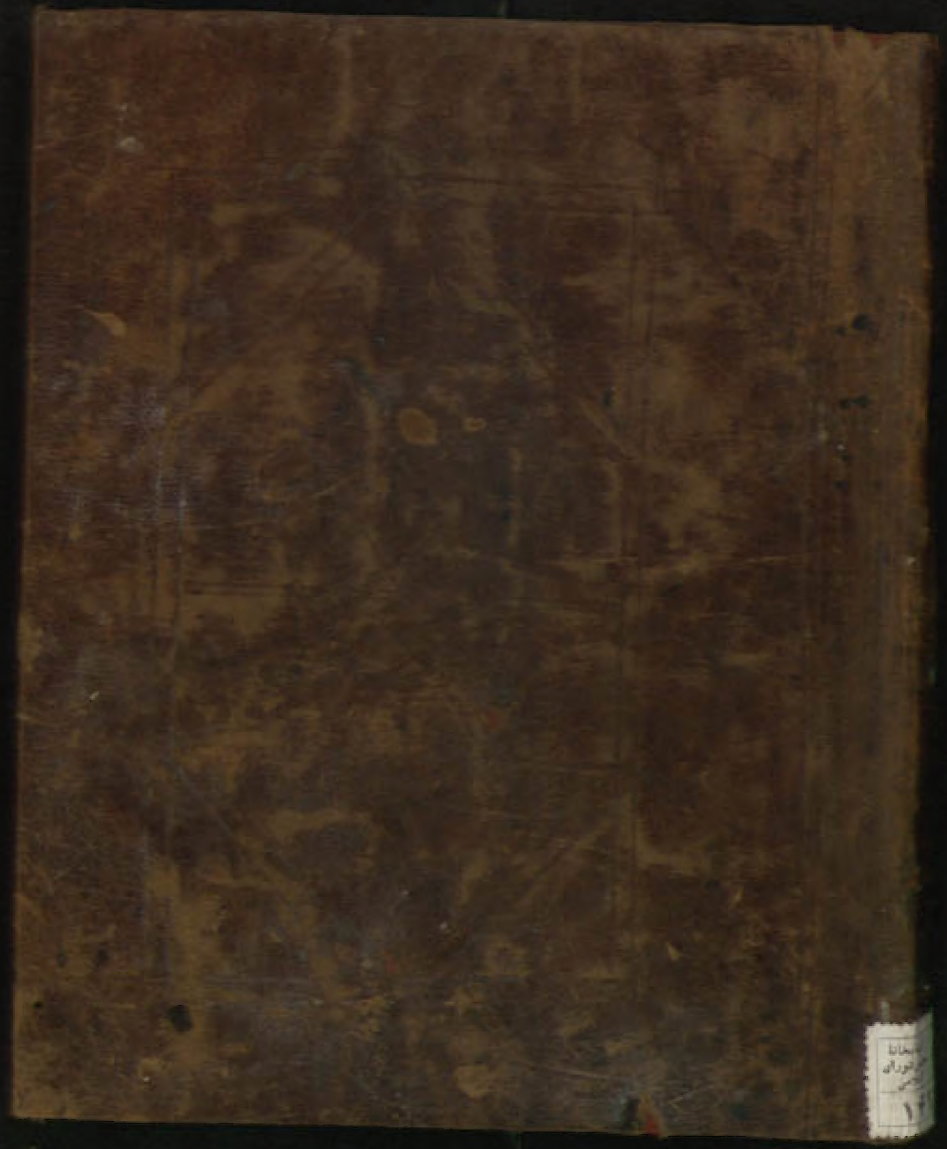

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب تحفة القادریه

مؤلف عبدالقادر گیلانی

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۴۲۱۵

جمهوری اسلامی ایران

شمارهٔ ثبت کتاب

۸۹۸۱۰

۲۲۱۲

بازدید شد
۱۳۸۵

خطی | کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی | ۱۴۲۱۵

تاریخ ارسال به صحافی ۷۶/۷/۱۲
تاریخ برگشت ۷۶/۹/۱۵

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۲۲۱۲
فیلم و تیکه تأسیس ۲

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب ۸۹۸۱۰
کتاب تحفة القادریه
مؤلف عبدالقادر گیلانی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۴۳۱۵

بازدید شد
۱۳۸۵

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۴۳۱۵

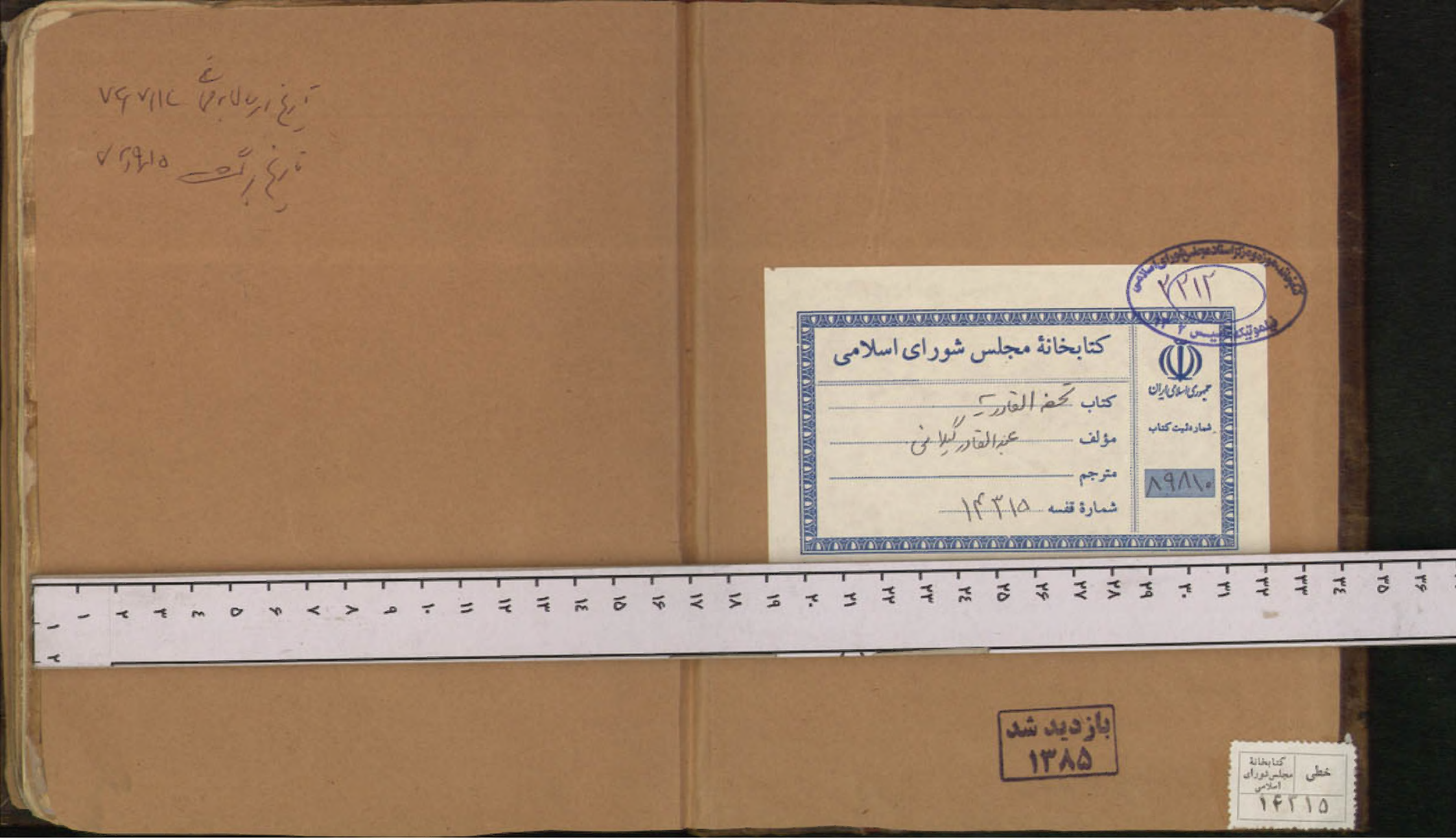

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب تحفة القادریه
مؤلف عبدالقادر گیلانی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۴۳۱۵
شماره ثبت کتاب
۸۹۸۱۰
بازدید شد
۱۳۸۵
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۴۳۱۵

تحفة القادرية عبد القادر گيلاني

١٤٣١٥
٢٩٨١٠

فصل اول در نسب آنحضرت بدانکه آنحضرت از جانب پدر حسنی و از جانب مادر حسینی

چنانچه فرموده اند الاب حسنی و الام حسینی نسب نامه حضرت محبوب سبحانی آنحضرت

ابن ابی صالح موسی جنگی دوست است ابن سید ابی عبدالله ابن سید یحیی زاهد

ابن سید محمد مورث ابن سید داود ابن سید موسی الثانی ابن السید عبدالله مورث

ابن السید موسی الجونی ابن السید عبدالله المحض ابن حسن المثنی ابن حسن السبط رضی الله عنه

ابن امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه و نام مادر آن حضرت بی بی فاطمه ام الخیر

و کنیت او ام الخیر امة الجبار بکار خیر و صلاح آراسته بود دختر حضرت شیخ عبدالله صومعی

و شیخ عبدالله صومعی از کبار مشایخ گیلان است و از رؤسای زهاد آن ایشانند

و مر او را احوال عالی و کرامات متعالی ظاهر بود و هر وقت که با کسی در غضب شدی حق سبحانه

از برای وی زود انتقام کشیدی ❊ و هر چه خواستی خدای تعالی همچنان کردی ❊ ای شمع

شبستان ابو صالح موسی ❊ یک لمعه ز رخسار تو بود آتش موسی ❊ شد صومعه صافی

از روی تو روشن ❊ با شعشعه شمع رخت در شب تار یلدا ❊ منسان حسن چون

بصفا شد متقاطر ❊ از بحر حسین آمده آن گوهر یکتا ❊ شعر در مهد همان ماه

تحفة القادریه از عبدالقادر گیلانی

که شد هادی دین قاسم

خود مهدی عهد است بتحقیق چو گویا

ز عیق صفتش از بغل دهد روان بی

گویا که فلک دایه گهر داشت تمنا

هر که بروی مکتب آن سرو خرامان

پیش و پس او جمع ملک شده پیدا

نسب نامه حضرت بی بی فاطمه دوست

بنت سید عبدالله صومعی

بر کاسها بنت سید ابی محمد

ابن سید ابی جمال بن سید ابی محمد

ابن سید ابی طاهر ابو عطا بن سید عبدالله

ابن سید کمال بن سید عیسی بن سید عبدالله

۱۴۳۱۵
۸۹۸۱۰

شیخ عبدالله بن شیخ عبدالله شیخ عبدالعزیز شیخ عبدالجبار شیخ عزالدین

شیخ نجیب شیخ ابواسحق شیخ شیخ ابراهیم ابونصر موسی رحمة الله علیهم

و علیشان سه فرزند که در صدر مذکورست اولاد ایشان مشهورست و تولد آنحضرت

در سنه تسعین و اربع مایه بوده است ✣ آن دلیر کیلی که شه بعدا و است

پرورش او دل بجمالش شاد است ✣ تاریخ گزارد تولدش می طلبش در باب

گیران چیستا عدد بهشاد است ✣ و نیز تاریخ ولادت آنحضرت بحساب

ابجد بود آن کلمه طاهر مشهود که بزبان عین در حساب هشاد است و شین سیصد

و نقطه معتمد است ✣ نظم در حسن و جمال ساقی ✣ هرکس که بدید کفت عشقست است

تاریخ نمودش رشاعر ✣ هرکس که شنید کفت عشقست است ✣ فصل چهارم در ذکر

خصوصیات آن حضرت نقلست از امام الحرمین بابویه جامعه رضی الله عنها که در مدت

رضاعت آن مرکاه که ماه رمضان در می آمد ✣ آن حضرت بروز شیر نمی خورد

از ثدی شیر روان بود که من می کفتم ✣ این شکر کرد نمکدان تو در چیزی هست

یکبار هلال رمضان بجهة ابر پوشیده مانده بود مردمان مدتی از من پرسیدند

که امشب

بشارت باجنیفه است ✣ آمد مه بر بساط شاه ربانی ✣ بیتم

قلب خویش از صوم و تسبیح و نماز ✣ گرچه بسیار یم اخر در چند نیاز کار تمام

از طفیل او فرزند آن نازنین مهد ناز ✣ دیکر حضرت آن و نمود اند که کوشوق در نفرین

میخواستم که مادر کودکان بازی کنم از عالم غیب ندا می آمد الی یا مبارک

ای مبارک چون من این را دوست دارم می شنیدم می کریختم و از ترس خود را در بکنام

خود می انداختم کنون من آن را در خلوت میشنوم ✣ این سانوده

برین سکری رو همری تو کمر ✣ کز عالم بالاش ندا می آید ✣ ایمن

کذرنی ✣ از حضرت آن پرسیدند تو کی خود را شناختی که ولی خدایی در کهواره

ده ساله بودم بسوی مکتب میرفتم ملایکه را دیدم که بر کرد من حلقه زده میرفتند چون

در مکتب میرسیدم آواز فرشتکان می شنیدم که می کفتند افسحوا لولی الله

فراخی کنید و جای کشاده دهید از برای ولی خدا ✣ و نیز حضرت آن معبر مورند که

وقتی مردیرا دیدم که من او را می شناختم چون از ملایکه شنیدند که می کفتند افسحوا لولی

از اطفال مکتب بمبالغه تمام پرسید که این پرکیست کفتند غرض از پرسیدن چیست

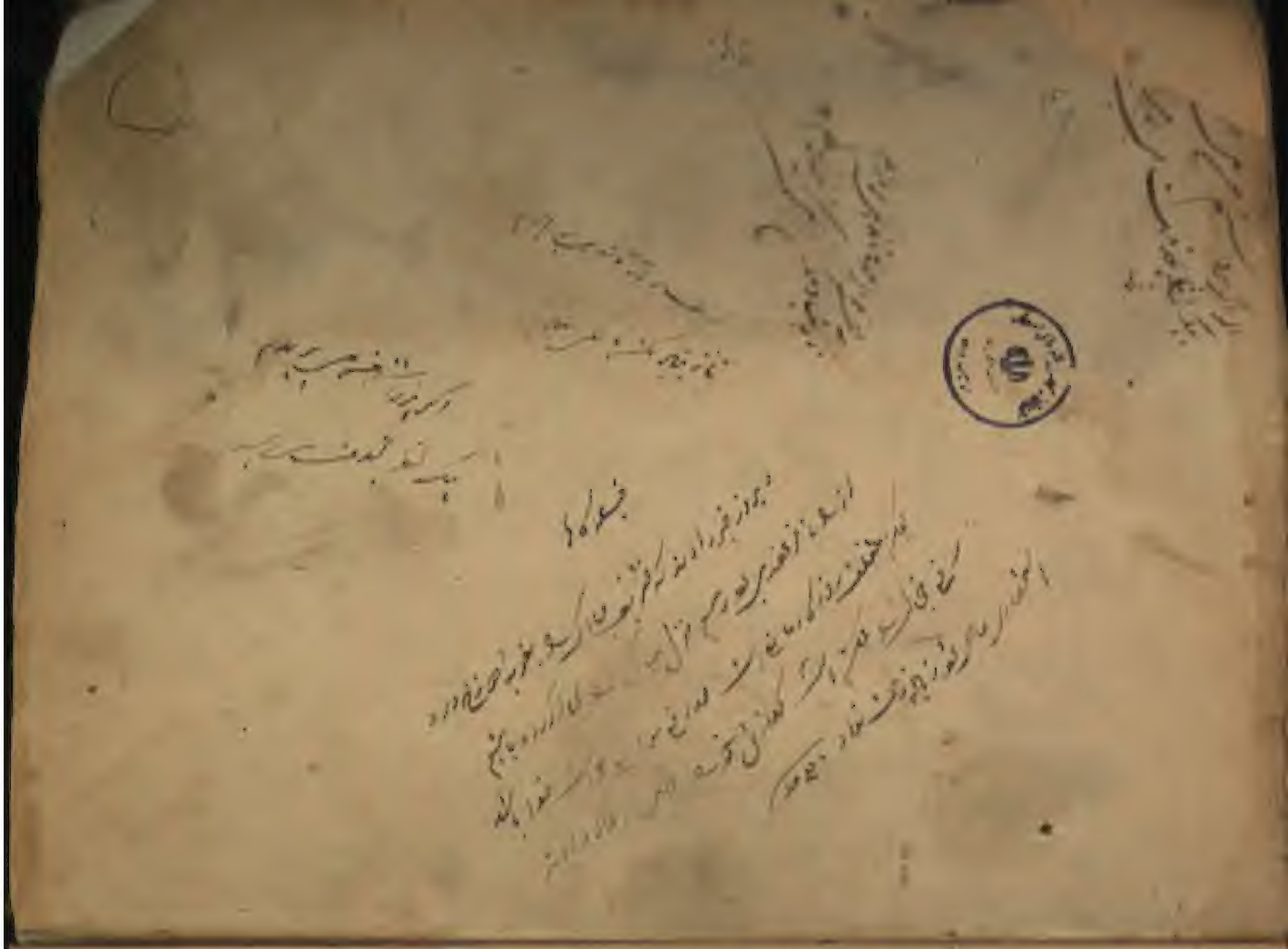

مکتوب ترک نماز است

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داده است [illegible] که نمازشان درست نیست [illegible]

[illegible] اعمال [illegible]

[illegible] مقبول خواهد شد [illegible]

[illegible] که [illegible] نمازشان [illegible] اگر درست باشد [illegible] اعمالشان را صحیح می باشد

اگر [illegible] اعمال [illegible] که درست بود [illegible] خدا از صاحب نماز

[illegible] اعمالشان را [illegible] اگر [illegible] خدا از صاحب نماز [illegible] قبول

[illegible] فقد خاب وخسر [illegible] اولئک هم الخاسرون [illegible] این دلالت می کند [illegible]

[illegible] آخرت [illegible] مبتلا می شوند [illegible]

[illegible] از اول دنیا تا آخر دنیا [illegible]

[illegible] محروم و مأیوس [illegible]

[illegible] ویران شدن [illegible] دین و آخرت [illegible] اول طایفه که روز

قیامت [illegible] حضرت باری [illegible] طایفه [illegible] نماز [illegible] درست [illegible]

شیطان

روی شیطان [illegible] سلمان [illegible]

پس این [illegible] شیطان [illegible] دور می شود [illegible]

سلمان [illegible] چون این [illegible]

[illegible] آن باشد که [illegible]

[illegible] چنان [illegible] چون امام عمر و امام علی و عبدالله ابن عباس و عبدالله

ابن مسعود [illegible] و عبدالرحمن بن [illegible] معاذ بن جبل [illegible]

[illegible] حلال است [illegible]

[illegible] از عبدالله بن شقیق رضی الله عنه [illegible] اصحاب [illegible]

از عمل اسلام [illegible] ترک نماز [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] مجتهد [illegible]

[illegible] مجتهد [illegible]

[illegible] چون امام احمد بن حنبل و امام اسحاق بن راهویه و عبدالله مبارک و امام

یحیی و امام حکم بن عتیبه و امام یعقوب [illegible] و امام ابو داود و امام طیالسی و امام ابوبکر بن شیبه و امام [illegible]

[illegible] که از آب شب [illegible] داشته اند [illegible]

[illegible] نماز [illegible] ترک [illegible] سلمان [illegible]

[illegible] معلوم [illegible] یقین [illegible] سلمان [illegible]

گویند و امام اعظم و امام شافعی و امام مالک رضی الله عنهم گفته اند [illegible]

گشته که این مرد از اهل نار است هر گویان بوده و نماز از اوقات خود شان بپروان کرده هر دیلت که گک
در فصل سرما تعدد وضو حسی میکند و با نزده نوع گرفتاری میشود پنج در زمستان سه وقت مرگ ایشان در سه قرن
هر شش اوضع آنان در ایام برکت و خیر ایشان نمی باشد و سیای صلی از روی ایشان محو میشود و هر عرض احسان
و عبادت که آنان انکا قیان برای ایشان نمی نویسند و ثواب نمی شوند و هر روز می کنند رفع میشود و بعقوبت
گرفتار و نصیب ایشان از روی صالحان نمی باشد و در وقت موت بدقت و کرستگی میرند و تشنه از دنیا میروند
بر تبه می باشد که اگر همه آب دنیا بدهن ایشان بکنند سیر آب نمیشوند و قرچنان تنگ می شود که
از شدت انهای جوانب ان یک اگر محلط میکردند و قرایشان پر از آتش می شود و بر جرات می نشینند
آتش بگوشهای شان شب و روز جانب جانب میکراند و یک قسم از ایشان دو نوع باشش شجاع اقرع با
بر سر هر یکی از و ما مسلط میشود و چشم او از نار دوزخ آنان ۱۴ درازی هر مار خون یک روز راه و دهن
مار مثل مقدار ان نار میکند و می گوید هم شجاع اقرع او را زشش شش رحد همار بت دیگر بدخد
من فرمود و که تر ا بر هم بر سر قضیع ۱۱ ان نماز صبح تا بعد از طلوع شمس و جهر نوم بر قضیع دان ظهر تا
عصر و جهر نوم تا عصر و جهر نوم بر قضیع دان عصر تا مغرب جهر نوم بر سه قضیع دان نماز مغرب
تا عشا و جهر نوم بر سه قضیع دان عشا تا طلوع فجر هر باری یا دو نزده هفتاد نوع او دو بر بدن
قرار چهار بای نوع و قرمعذب میشود تا روز قیامت و در هر طرف شش ساعت معاقبه ایشان
می شود شش یا و نصف خدا و خول نار بت هر دیلت که او در نجاست حضرت رسول الله صلعم
در مجلس خود بیان بکنن زن بعرباد کردن آمد که یا رسول الله فضل که مرا بر هم بعرنا زبر اکب می نمیشم
و هم شیخ حضرت جدت شان نماز مرا بیا موزد حضرت علیه الصلوة و السلام فرمود کی ترا بیت
جواب گفت یا حضرت بدقت میشوم بسجا نرفت آمد فرستاده فضل فضائی مرا داده زنا

کردم

کردم حضرت بر فرمود آن زنا مرحومه معذور معفو و مغفور و مرحوم و مرا بر هم کرد و بر حرمش علیه السلام بعرزه قبول کرد ان
توبه زن را آورده حضرت علیه الصلوة و السلام آن مرده را بصحبه زنده شد پس حضرت فرمود
کر زن بعرباد کردن آمد تر سیدم صحبه عرض کرد یا رسول الله خوف کرده بار سول الله فرمود چنان باشد که
نماز عصرش فوت شده و فریادش این بست برادران خوب تأمل کنید کر رسول الله صلی الله علیه وسلم
خوف از زناده جسم بعرباد خوف داشتم آنا و حق ظن فوت عرصه خوف پیدا کرده ام اهل
کر کسی طفلی داشت و مرد فضل کرد پس از چند شبی در خواب دید بچه خود را کر موی سرش سفید گشته از بچه پرسید
فرزند چرا موی سرت سفید گشته گفت نه من بلکه هر چند اطفال در این گورستان شده اند موی سرشان
سفید گشته از و پرسید چرا جواب داد و گفت بدرحمی زنده بمیرات دیدم ترحم جا نکرده یک مرد بیگانه
و یک هر شراب خوار بیان مقبره دفن کردند از دور دفن کردند ناگاه از دو نوع افواج عذاب دیدم
دو نوع باد آواز عجیب بقبر آن دو نفر آمد قرار پیدا شد موی سرش از خوف دیبت سفید شده و این مقبره
حتی اهل عذاب از ایشان سلب شد و هم اجمعین هراسان گردیدند برادران منی اگر انصاف و ترحم
اهل گورستان خود شان ادا نکنند از ارکان نماز از دو گورستان خود تان دفن کنید فضل
که یکی از سلف صالحین خواهر خود را از مقبره دفن کرده و گذشته نزد مردمان قرخواهرش افتاده
بود نه دانسته بود پس قبر را نبش کرده تا لنگ لحد رسیده دید که قبرش پر است از آتش اهل
بر قبرش گرا گریه و زاری بر زار بالایش پرسید که مادر من خواهرم در اینجا چه فعل قبیح داشت
حقا آب جسته گشته جواب گفت که در فضل نماز سست بوده نماز با وقت خود شان نمی
گرا برادران من این مقبره ان نزنند حال تارکان نماز با بچه طور اهل گورستان خود شان نمی
هر دیلت که در حشر جرنیل بوحضرت پیغمبر صلعم در عرض راه بسجا نزدیک جرایش نام بهشت

و لقد از مشرق و مغرب و طولش بقدر زمین و آسمان [illegible] گفت [illegible] بعد صد سال

[illegible] جواب [illegible] که جزای عذاب پنج طایفه یکی از و تارکان نماز ذکر کرده برادران کسی که نماز

[illegible] همه انواع عذاب شدید [illegible] و ثواب نماز از صدقات [illegible] عظیم [illegible]

[illegible] است [illegible] و السلام علی من تبع الهدی و صلی الله علیه

و سلم و علی آله اجمعین امید است که اگر [illegible] قبول کنند [illegible] امید است هرکس این

نصیحت [illegible] مسلمان [illegible] از خواندن [illegible] نجات دارین

[illegible] خواهد شد تمام شد ترک نماز است [illegible] آن است [illegible] فرموده باشند

مکتوب بسم الله الرحمن الرحیم دوم [illegible]

امر بمعروف و نهی از منکر است

برادران ایمانی خود شیخ و ملا و [illegible] اسلام را سلام معلوم خاطر شما بوده باشد که حضرت باری جل و علا

دنیا را جهت دین خلق و پیدا کرده است که معلوم است که بقای دین امر معروف و نهی منکر است لهذا

بخدمت شما معمول است که [illegible] بخدمت نوشتم خلق را جمع کرده و کاغذ را بخوانند

الحمد و المنة اگر چه [illegible] کاغذ [illegible] از خدمت شما [illegible] باید

[illegible] کاغذ [illegible] ثواب عظیم [illegible] گناه عظیم است

زیرا چندین آیات و حدیث درین باب نازل شده [illegible] من جمله قوله تعالی وتعاونوا

علی البر و التقوی یعنی [illegible] یکدیگر [illegible] و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان

یعنی

یعنی [illegible] یکدیگر [illegible] درین باب [illegible] و اتقوا الله ان الله شدید العقاب

یعنی عقابش [illegible]

نهی منکر [illegible]

[illegible] فرموده [illegible] امر معروف و نهی منکر کردن کرده قال الله تعالی

کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

اگر امر معروف و نهی از منکر [illegible] حدیث [illegible]

صحیح شده [illegible] مسلمان [illegible] از مسلمانان [illegible] حدیث [illegible]

[illegible] روایت [illegible]

صاحب [illegible] حضرت باری جل جلاله [illegible]

[illegible] روایت [illegible] نوع است [illegible]

[illegible] طاقت [illegible]

امر معروف و نهی منکر [illegible] طاقت [illegible]

و هرکس [illegible] طاقت [illegible]

[illegible] عاذنا الله و ایاکم [illegible]

روایت [illegible]

[illegible]

[illegible] امر معروف [illegible]

[illegible] و المؤمنون و المؤمنات

بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر لا بلکه وجود
که ازین آیه چنان معلوم میشود که اگر کسی ترک امر معروف نهی منکر کند از جمله مؤمنین بیرون خواهد شد و در
دیگر آیه لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود وعیسی ابن مریم
ذلک بما عصوا وکانوا یعتدون کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لبئس
ما کانوا یفعلون ۞ از این آیه چنان معلوم میشود که شوم ترک نهی از منکرات حضرت باری [illegible]
[illegible] بدل [illegible] ایشان نهاده [illegible] مستحق لعن شده اند از عایشه رضی الله عنها روایتست که روزی حضرت
رسول الله صلی الله علیه وسلم بحجره شریف آمد از جمالش چنان ادراک نمودم که کار عظیم واقع شده [illegible]
و دست [illegible] گرفت و سخن با هیچ کسی نکرده و بمسجد شریف رفت و بعد از تحیت المسجد [illegible]
و بر سر منبر رفت حمد وثنای خدا ادا کرده پس فرمود ایها الناس بدرستی که خدا شما را فرموده که امر معروف و نهی
از منکر پیش ازین [illegible] و مطلوب خود آن طلب کنید و شما عطا نفرمایم و پیش از منکر
از من طلب کنید نصرت شما را ندهم و در روایت پیش ازین طلب عفو کنید و شما را عفو نکنم [illegible]
پیغمبر باید که این قول را یاد نگفت و این قول را تکرار می کرد تا از منبر پائین آمده ازین حدیث چنان معلوم
میشود که از ترک نهی منکر و امر معروف حضرت باری دعای شما را قبول و مطالب نصرت عطا نمی فرماید پس شوم
نهی منکر و امر معروف نکند استحقاق ترک [illegible] مغفرت قبول نمیکند و دعا نمی فرماید این خبر عظیم که از ترک
نهی [illegible] و امر معروف بر هر چیز [illegible] خلق [illegible] برای مسلمانان ضرر است **و روایت** که بر هر چیز [illegible]
قول کند [illegible] ثواب [illegible] که عمل این قول می کند [illegible] برای او [illegible]
میشود [illegible] حضرت باری جل جلاله و تقدس اسمائه یعنی [illegible]
جمیع ثواب عاملان میشود جزای او تمام نمیشود بلکه حضرت باری در قیامت جزای او [illegible]
از

از فرمان حق [illegible] قوم [illegible] که امر معروف نهی از منکر چه دولت [illegible]
[illegible] **و روایت** که کسی امر معروف نهی از منکر میکند خلیفه خداست در زمین و خلیفه رسول اوست **و روایت**
که [illegible] روز [illegible] بهشت [illegible] نفس [illegible] سلامتی [illegible] **و روایت** که
که حضرت [illegible] آنکه [illegible] بعضی از قرب [illegible] بیرون می آید [illegible]
[illegible] مقدار [illegible] منع شده اند وقت نهی کرده [illegible]
و روایت قومی در آن قوم معاصی و منکرات معمول شود و آن کس که ترک معاصی [illegible] معاصی [illegible]
[illegible] عذاب [illegible] واتقوا فتنة لا تصیبن الذین ظلموا
منکم خاصة واعلموا ان الله شدید العقاب دلالت بر آن میکند **و روایت** که
اگر قوم یک نفر [illegible] و آن قوم [illegible] منکرست آن [illegible] مستحق [illegible] آن قوم معاقب میشوند [illegible]
[illegible] آن قدر [illegible] برادران [illegible] اگر برکت [illegible] علیه الصلوة
والسلام [illegible] معاقب امت [illegible] امت رسول
[illegible] برکات [illegible] بر [illegible] که [illegible]
[illegible] والسلام [illegible]
[illegible] خیر البریات [illegible]
[illegible] افضل [illegible] والسلام
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته [illegible]
[illegible]
[illegible] تمام [illegible]
والسلام

در ثواب روزه رمضان

مقصد چهارم بسم الله الرحمن الرحیم از کلام کمال الدین

الحمد لله الصمد وه والسلام علی رسول الله و بعد بدان برادر ان خود سلام کرده عرض میدارد این احقر و بدان و فقرا الله تعالی بعد سلام بدانکه اگرچه همه عالم کار یک دیگر است اما شیعیان موظف از دیگران تر و در دل مسلمان زیاده تر است بر آن زیاد تر دارد رغبت میشود الله و اسباب فضایل ماه رمضان و کمتر قلیل آن بقدر کفایت بیان حدیث را عرض برادر آن خود خواهم کرد حدیث شریف آنکه فرمود حضرت صادق علیه السلام خداوند از جمله صدقات حساب فرموده منظور از این عریضه آن است که الف الف برادر ان تمامی طالبان که بشنوند ذکر ثواب روزه رمضان میکنند دکر داده اند چقدر که بگروان آنها رسیده است و بچقدار از ثواب روزه محرومان مغبون و محروم شده اند بیشتر برادران بدانند که از طرف حضرت باری جل جلاله بر سر هر مسلمان در اول بلوغش دو ملک برادوش برسری اعمالش موکل میشود یکی برادوش راست یکی برادوش چپ ملک چپ دائما او میفرماید که هر وقت این عبد من بدل زحمت برا حسان و عبادت کرد چه فعل و چه قولی برای آن عبد من آنرا بنویسید اگرچه حسنه را فعل نرسیده یک ثلث به یک هفت صد آن فعل عبادت برای او در نامه اعمالش بنویسند حتی اگر نیت نکند شود هر چند سال او را و قیمت پنج هزار حسنه ستین تفویق کند بدین ملک برای آن پنج هزار کتبت بنویس اگر بفعل صدقه شود نقل است از عبدی از بنی اسرائیل بسبب پشه که ذکر کرده در آن قوم که در زمان آن ناقص بوده در دل خواهش کرد که کاشکی این پشه برادر میبود و فقره از سیدان عبد حضرت برای جل جلاله یک نفر از انبیاء بنی اسرائیل فرمود که لعنت مرد بگوید که حضرت برای ثواب آنقدر پشه اگر بفعل صدقه میبود او را برای او ثواب ملک بنویسید اگرچه بفعل نرسیده باشد آنوقت که بفعل رسید یک چند بنویسند برادران بنگرید که بفضل رحمت حق تعالی و جفر به خود هیچ مرتبه رسیده و طفلان و اصلبان تا حوالی چه اندازه کشیده

و اما مسلمان هر یکروزه و فرض اگر شد آن ملک بیمین ثواب را تمامی بنویسد عرض جناب حق جل شانه میکند که بنویسید آن حضرت جل جلاله میفرماید که بنویسید خلان روزه رمضان کرد که روزه از من بست من خود اجرا او در قیامت میخواهم دادن یعنی اگر کسی یکروزه رمضان نگیرد ثواب برادران برادران تامل کنید که ثواب روزه رمضان آن قدر بیا پایان بست که ملک نتواند ثواب آنرا در ضبط آرد و بنویسد حدیث قدسی بست هر عمل بنی آدم کفارت بست مگر روزه زیرا روزه از من بست و من خود جزای می آدم میدهم بروز یعنی در قیامت من تمامی حقوق بر صاحبان روزه دارند از حسنات او را بفرد روز حقوق خود شان اخذ می کنند و حساب بنده برای صاحبان روزه بپیشتر میشود و می بیند بارگی حسنات او نخواهد روزه صاحبان حق را تقاضا و انتظار روزه نشسته میشود و ثواب روزه برای صاحب روزه ذخیره میشود و بثواب روزه آن عبد که هیچ ثوابش نداده چیزه علت حدیث میترسد یکی از تمنی لقاء سخت بست حضرت حق جل شانه یعنی چونکه در آن وقت که انسان از همه اوقات خوف اکل ترو مخوف ترست هیچ وقت چنان خوف نمیشود و فقر بخشته زیرا اهل حقوق بر حسنات او چنگ کرده اند و ثواب عظیم روزه که از کرشده و میشود حضرت ارحم الراحمین برای او ذخیره فرموده و او اصلا خبر ندارد و صاحبان حقوق آن ثواب را نمیگیرد آن صیام فرخ نمیشود الا به این فرع تا صبر ست اول تقاضا ثواب از پیش زوجه و فرزندان دارد و عزیزان که ثواب یک روزه سنت آنست که اگر حضرت رب العزه بر بندگان صیام یک روزه سنت کرده یک صد و ثواب آن بنده سنت آنست که ثواب جزای آن یکروزه سنت از خزاین قدس خود اتمام میکند و علما میفرماید بسبب آن بست که روزه رمضان صد روزه سنت میشود هر گاه چنان شد معلوم شد که ثواب حق جل جلاله بیشتر از هر ثواب نزد خدا میشود و کسی که صیام یک روزه رمضان صد روزه سنت مگر اتمام ثوابش در قیامت بفرماید و عطا نماید و بسبب آنکه حدیث که بیان میفرماید که ذکر کرده صوم و ذکر و حج میشود الله تعالی اعمال صالحه ثواب بسیار نوشت عزیزان که روزه رمضان

لیعنی در وقتی در عرصه شرارهٔ اوزخ برسراهل محشر میاید بعضی از اهل محشر میگردد و بعضی از نوع بهبر بینند و هم از بعضی بر اقتصاص محشر پرهاد بستور رهای آتشین احاطه کرده اند صیام بسبب این نوع شراره آتش میشود یا مراد این است که صیام بهمین معلوم از گناهان او میشود والله اعلم **حدیث** که حضرت خدا جل جلاله بموسی فرمود یا موسی غط کرده ام بامت محمد دو نور نظر نمیرسانم بآن دو نور دو ظلمت بر سر گفت یا رب آن دو نور چه اند جل جلاله فرمود نور رمضان نور قرآن موسی آن در ظلمت چیست خدا فرمود ظلمت قیامت هر نور روز قیامت میگذرد روزه میگوید خدایا من از منع کرده ام طعام اشربه را در نفس چیزی که مشتهای نفس بود **حدیث** که ملائکه در هر روز رمضان استغفار برای امت رسول الله میکنند تا وقت افطار روایت کرده اند یا تا وقت افطار و مستغفار برای صیامان امت محمد میکنند **حدیث** که رمضان تا رمضان کفارت گناهان است که در بین هر دو رمضان صادر شده واقع میشود بشرط اجتناب صیام از کبائر روایت شده که هر که روزی حضرت علیه الصلوة والسلام افطار کند بر سر سفره که حضرت است بهر سر شما باد نیاید پس فرمود حضرت ایشان را که هر روز کند بسبب مسلمان چیزی تر بشه برای او این زیارت باشد هر که هر روز کند بسبب مفطران از برای رمضان ثواب هر یکی در آن ماه مستحق او و قوت و صدقات و عبادات غط میشود او را بمنافق اتباع مفطرات و اتباع عبادات مسلمان غط میشود از اتباع حدیث چند نکته معلوم است یکی آنکه هر روز کرده معلوم شد که مراد حضرت فرمود بنافقان اتباع مفطرات از خدا و اتباع عبادت مسلمان از حضرت است دوم آنکه ثواب معلوم هر کسی که در آن ماه مبارک هر نکته کرده ان شاء الله تعالی معلوم شد و از خدا فضل و ثواب خواسته شد زیرا حدیث آن کسی بنافق برده مروی است که حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود نزد شما آمده و ماه رمضان ماه برکت است حضرت هم فرمود شما را رحمت قبول می فرماید نگاه برحمت شما و گرداند شما را طاعت و علوم و عبادات که در آن ماه بیخزد و ما عدا آن از حضرت فضل

قبل شفاعت باید زیرا در ای آن کسی که در آن محروم رحمت خدای عزوجل شود فی در آن ماه آنقدر رحمت خدا و مغفرت بسیار است کسی باید خدا فرمی نکند که شمول آن رحمت و عنایت و مغفرت بسیار است که بنهایت نشود معلوم آن کسی است محروم و از اهل شقاوت خود را نشناسد و شمول و رواری برای بداحوالی خود کند **حدیث** که در آخر هر روز رمضان ملائکه تا افطار شش صد هزار آزاد شدگان امت محمد آزاد میشوند و در شب آخر رمضان بر چند در جمع ایام رمضان مغفور شده اند آنقدر صیامان امت رسول الله مغفور میشود یعنی شب عید **حدیث** که در آن من بدون خدا شرعی اگر کسی قتل رمضان بکند یا بکشد او در آن ماه و در اطراف خدا باشد و در بعضی الطاف نهند و هر ساعت از رحمتهای خاص حضرت خالق خود آن کوشند البته محروم این همه برکات حسنات و آزادی و مغفرت خواهند شد **حدیث** که حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر بنا میدانستند رمضان چه دولت است تمنا میکردند که ماه سال رمضان باشد **حدیث** که ندا می کند منادی ملک آسمانها در هر شب رمضان تا طلوع فجر ای طالب خیر حرکن و ای طلب شر از شر کن کاری حضرت را بهان آیا کسی هست که طلب مغفرت او را مغفرتم و آیا کسی هست طلب توبه کند تا توبه او را قبول کنم و آیا کسی هست دعا کند دعای او را قبول کنم و آیا کسی هست سوال هر مقاصد خود کند تا بمطلوب نایم **حدیث** که از امام علی رضی الله عنه حدیث برای محمد روایت شده از آن حدیث امر باجتماع خلق برای تراویح کرده و گفت از حضرت عیسی علیه الصلوة والسلام رفع شده تا روز قیامت عرش موضع بهشت نباشد خطبهٔ القدس پر از نور و در علیین بسته حاب غط حدود آن بجز از خدا کسی نداند در قرآن کند جماعت بکنند و یک ساعت غافل نشده که اول شب رمضان داخل شد رخصت آمد برای زنان از خدا طلبند تا بجماعت نماز بکنند خدا رخصت ایشان عرض و هر شب از رمضان بر زنان می آید هر کس با تحصیل کنند

لیلة القدر ماه رمضان پس شقی گردد و دائم عرکفت کرد بدین سعادت احق تر کیست تمامی حضرات تراویح نماز
تا بتقای آن جماعت آن جمع عظیم ملائکه کرام که در مسجد آن لیلة القدر حاضر شدند بر او لعنت کنند
آن کس است که خود را بر فیضان ملائکه کرام محروم کند و طالب آن سعادت نشود و در تراویح نخواند حدیث
صحیح است که اگر در رمضان صفحه ریست و کسی جزای از خدا طلب کرد در آن ماه طلب محروم نمیشود و حدیث
کسی از امت یک لقمه طعام بدهد بسبب مغفرت گناهان او و آزادی او از دوزخ و هر اجر و ثواب صوم باشد
برای او نزد خدا این ثواب منقطع نمیشود مگر اجرش ناقص کرده شود یا رسول الله یکی از ما بقدر افطار ندارد رسول الله
فرمود خدا این ثواب خطا میدهد بر کسی که افطار صائم بر یک خرما و یا بر یک شربت آب و یا بشربت دهد بعضی کسی
بقدر افطار نداشته باشد بدهد یک خرما داشت بصائم داد آن ثواب او کرشده یا او رسیده باشد
که از رمضان اولش رحمت است و وسط مغفرت است و آخرش آزادی از دوزخ حدیث که بهشت
از بهر حول ما و یکبار مزین کرده میشود برای دخول دخدم شهر رمضان در اول شب از رمضان از
چهار عرش باری میبوزد نامش بیشه و برسد برگ های درخت بهشت و حلقه در های قصر ها از آن او از آن حور العین بانگ
باد از ی که می آید که هیچ کس آواز خوشتر و لذیذ تر نشنیده و از آن آواز خوش حور العین بانگ
قدر خود شان میآیند و میگویند آیا کسی هست از حضرت باری خواستگاری کند تا ما بر خصوص آن بنکاح
جوانب ما در آید و میگوید در اول شب رمضان است و برای او روزه دار ان بهشت منتظر
علیه السلام گشوده شده و حضرت باری رضوان را طلب امر میفرماید در های بهشت گشوده کنید و با
ملائکه فرموده در های جحیم از صائمان حفظ کنید و یا جبرئیل بر روی زمین برو دیو خود را در بند کن
هزار زنجیر و غل گن پس او را بیکران اندازد تا روز اول شب عید من افطار نکند حدیث که اعمال
امت های سالفه شان حضرت رسول الله علیه السلام داد عرضت خود را کوتاه دید دانست عمر کرده

بعبادت

مکتوب شنبه بالله التوفیق و الاعتصام بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
و الصلوة و السلام علی رسول الله خیر الانام و بعد فرزند ان من عرفان دارد سعادت
و طاعت دولت دارد بارگاه حق و آن عرض میدارد که اگر هم گناهان موجب هلاک ان نبندد موجب خذلان و ابعاد
اسباب سوء خاتمه و سلب ایمان بندد پرهیز از و ناگزیر هم هست لهذا یکی از ابنای دین عرایضه کرد خواهد شد و بیان
خواهم کرد ان گناه کبیره و باعث ابتلا حسنات کرا بکفارت صغیره نشوند و بران کشنده خاتمه دین و حقوق الدین بسیار
قال الله تعالی و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا یعنی عبادت خدا کنید و عبادت هیچ
شریک نزنید و با والدین احسان باشید یعنی چنانچه عبودیت خدا را بجا میاورید والدین را منظور دارید چنان
بجا که ملوک پیش سیدی خود ذلیل مطیع شود که فرموده و بالوالدین احسانا مقتضا احسان آن است
که تعظیم و قول در جواب ایشان و برای ترش خشمناک بروی او نایستد و کبیره بسیار نکند و بسیار کبیره است چنانچه
بیاید که آواز را فوق صدای خود ان آواز نا بلند کند حروایت کرده عبد الرحمن بن عوف او را طلب داد جواب نیامد آن
بلند تر داد بکفارت سی و اند بنده آزاد کرد کما قال الله تعالی و قضی ربک الا تعبدوا الا ایاه
و بالوالدین احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لا تنهر و قل لهما قولا کریما و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة
و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا یعنی قضای ربانی چنان است که عبادت غیر آن نکنید و با والدین صاحب احسان باشید و اگر از و یا هر دو پیر شده نزد تو تحمل کردند یا جوان بودند نزد تو تحمل
کلمه اف مگو بدو رنجه و آزرده مکنید و سخن شیرین با ایشان بگوئید و رحم و حنان بایشان نمائید خود ان ذلیل هر دو
پیش کنید و حتی از نهایت طلب رحمت برای ایشان که بشما داده اند بوسیله شفاعت دعا نمائید
حدیث است که اگر در باب ابوین دعای کند مستجاب است و حق ایشان بسیار و حقوق ایشان بسیار
اف

اف در این آیه کریمه تامل کنید که احسان پسندی با پدر و مادر را بعبودیت خود قرین گردانیده خود را بعبودیت خود
خود و ایشان را تحقیر و غایت این امر را در کرده حتی تحمید و بیان طریق حسن بکار و معامله و مشارکت را در کرده و آن شنا
هیچ خدمتی از و نیاید شاق تر نیست اگر چه نافع ترین هست حتی هم بدعا گران برای او نا فرموده و نظر
پدر و اهل تر بست بر پیش چشم شما آورده و مدت بر سر ی شما نداده و در قرآن در چند مواضع توصیه در حق ایشان
نازل شده با وجود اکثر توصیه ان عظیم الشان نمی بود عقل بر دوست خدمت ایشان لازم بود چه جای که امر محکم ایشان
و منهی از اضدای ایشان نازل مروی باشد حروایت که خدا الی تعالی می بوسی کرد که کدام بنده ترا دوست
تر دارد گفت فلان بنده ترا دوست تر دارد گفت چرا گفت زیرا که او را فرزند نیست که او را دوست دارد
بدر او را دوست دارد گفت فلان بنده ترا دوست تر دارد گفت زیرا که او را فرزند نیست که او را دوست دارد
مادر او را دوست دارد گفت فلان بنده ترا دوست تر دارد گفت زیرا که او را فرزند نیست که او را دوست دارد
پدر و مادر او را دوست دارند گفت ای موسی کلمه از خلق الوالدین بسنجه بهتر از یک سال عبادت من و هر عاقد که خدا فرموده بر حقوق والد
بدر الدین خود لا لبیک گفت یعنی در جواب آن گوید بلی می شنوم تو را بسبب آن حقوق دارد حیث اذا دعاک
فردا تا و و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا و عبد الله و لا تشرکوا به شیئا و بالوالدین
الوالدین احسانا الآیة این وصیت بعد آورده اند فرموده و الذین یصلون ما امر الله
به ان یوصل و قال عز من قائل و وصینا الانسان بوالدیه یعنی وصیت ان کرده ام
و امر نموده ام بایشان باشد زیر احمله امه وهنا علی وهن یعنی ضعیف شد و بسبب ما چند روز حمل
و حملش و حتی وضع حمل بدرد ما های شدید و قیل الآیة حروایت که مردی آمد بنزد رسول الله علیه السلام از پیری پرسید
و با عقل شده بهت حتی بدست خود طعام آب نمیخورد و بدو شش جا نقل میکنم از جائی آورد و آواره ام با حضرت
فرمود نه یک از صد جزای او نداده لیکن احسان کرده که خدا بر سر ی این عمل قلیل ثواب بسیار میدهد
و وصینا الله فی عامین ان اشکر لی و لوالدیک الی المصیر یعنی چنانچه من بعبادت
و بین ادب تعلیم میکنم بدان از شیر خوردن دفع کردن و از خدمت کردن که از طاعت پدران بجا

بحسن حال پدر و مادر رسیده و چون او را طلب کرده اند از شب بیداری و امثال اینها هم امتناع کرده
که تشکر حضرت باری جل شأنه بکند و تشکر والدین هم بکنند فرزندان بشکرند که چنانچه از آن تشکر
خود خلق فرموده از فرزندان تشکر والدین هم خلق فرموده و بهر دو شان اصدار نموده چه سبب شده
که فرمان والدین را که عبارت از آن حضرت جل الله وجوده و جد بزرگوار حق شناسان والدین بوده و بشر
فرموده و الی المصیر یعنی بسوی من بازگشت و رجوع و آمد و خیریت کیران بسوی کیران است شکران
شکر علی هم لهذا حضرت رسول الله فرموده که هر که شکر بشکند نعمتها که بشکر والدین بشکند عبارت
از آنکه صحیح نمیشود و همچنین امام خدائی علیه الرحمه روایت کرده که حق تعالی وحی فرموده بسوی
هر که فرمان بردار و آن پدر و مادر خود نباشد و فرمان بردار من نباشد آنکس را از رحمت خود دور
و قال الله تعالی وان جاهداک علی ان تشرک لی ما لیس لک
به علم فلا تطعهما وصاحبهما فی الدنیا معروفا الآیة یعنی حتی
والدین کافر صاحب احسان و نیک باش و اگر سعی با تو کردند که شریک کافر شوی اطاعت او مکن
لیکن او را و دیگران را بنده و صله رحم بجای آور و بر او و ان فرزندان خوب تا چند رو و او کافر کرده الله
و شخ خداست و هم با حق تعالی که طلب کافر شدن از او و لا خود میکند برسد این هر دو حق با وحدانیت
با حضرت باری جل جلاله و هم عداوت مسلمان که میکند خدا تعالی کریم و حلیم امر رعایت او حق او
کرده اگر پدر و مادر مسلمان باشند رعایت حقوق چند مطلوب و مامور بها شدند این قانون حق او بخت
پس از شنیدن این آیه مجال عذر از فرزندان نماند که بگویند پدر و مادر ما نبودند تا حق
رعایت حقوق آنها بدانیم از آنجا رضی الله عنها روایت شده که مادرم از مکه بمدینه نزد
من آمد کافر بود بخدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتم گفتم مادرم آمده و صله رحم بکنم یا نه

فرمود

فرمود قیل رحم کن مروایت که مراد عاق الوالدین هر عمل بخواهد کند بهشت نمیرود و بدوزخ میرود و مراد والدین
بود هر عمل خواهد کند بدوزخ نمیرود و حضرت حق را در کس نرسد بسته موعد فرموده مروایت که بر کنار ان خدا پرچه
بخواهد و بر شان میفرماید تا ثبات اقا عقوق والدین تحقیق خدا را بچهل عقوبت حاجتش میکند و در حال چهل تن از
ملک یعنی اگر یک لحظه عرش نبوده باید عقوق را بسبب چون سبب بیان احادیث آمدن آن ملک مروایت که مرد
بخدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم عرض کرد اشتیاق به جهاد دارم و توانائی جهاد ندارم یا یکی از والدین بشما زنده
باشد گفت بله مادرم فرمود جهاد آن است که او را خدمت بکنید و خدمت کیران کیچ او باشد یعنی
والدین نیک خلق شب بیشتر حج و عمره جهاد غایب نشوده و اگر بدون رخصت والدین کسی حج سنت برود محبوس
مقبول نمیشود دیگر از نکته معلوم این حدیث است نقل است که مادر خود نزد یک بخواند و جهت لطف و فضل
تربیت دین کرشمه بقدر فرمان بزند و موکد چنانکه مروایت که حضرت علیه الصلوة والسلام بیلال خبر داد
در بهشت پایه از پایه دیگر بیک هزار سال فرمود از پیش پرسید جواب فرمود که جبرئیل علیه السلام آمد و پایه اول گفت محمد هر کس
بر یکی از پدر و مادر خود رسید شش آن هزار عقوق والدین بدوزخ واصل شد خدا او را از رحمت خود دور کند یعنی فرزند
فرزند بر رضای والدین که موجب دخول جنت و سبب از بار است نزع نکرد تا بهشت رود و بلکه عقوق والدین
خورد را بدوزخ برد خدا او را از رحمت خود محروم گرداند یعنی آنقدر دوان دوان بهشت باشد که خدمت والدین
سبب بتعقب دخول جنت در رحمت خدمت نکنند و فرصت را بغفلت نشمرد و معلوم باد که مستحق
بودن محرومی از رحمت خدا و دخول دوزخ نمیشود و لهذا آیان بر سری آن و حاکم فرزندان من معلوم است
بسبب جبرئیل و حاکم و جناب حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمین کند حضرت باری جل جلاله دعا
قبول کرده مستحق هیچ سنگ نداد و مشغول هیچ ریب نمیشد پس فرزندان منعم لازم آمد که بر خلاف خود ایشان
معصیت عظیم نمایند و عادت خود ان بکنند و بر آن عرض کرد ام و دیگر است که حضرت

الَّذِينَ اِذَا كَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ الآية يعنى هر كسى كه در معامله با مسلمانان برى
[illegible] بزرگ يا كوچك يستوفا شد شدت وبيم است و در خبر است كه اين آيت
در حق ما نازل شده و در خبر سخت تر است عروليت كه اگر همه كوهها و دنيا بآن داده شود
حضرت رب العزت سبحانه و تعالى وعده مسخالفت نميدهد خود فرموده اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ كه در بعضى
مجيد خود در حق اين عمل شدت عذاب او را وعيد فرموده و عروليت بدست خود و زبان بلاك انداختن هر يك
شنيده قال الله تعالى فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ اَمْرِهِ اَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ
اَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۵ يك كه مخالف خدا و رسول ميكند حذر كنند از آنكه در دنيا
بلاى عظيم و يا در آخرت عذاب اليم و يا ميرسد و عروليت بدست خود بواسطه عمل شوم خود آن مسلمانان را
بمصيبت مخطى و ميدارد كه نزديك آيه قرآن و حديث تصريح باين تاثير و سه آيت ميكند قال الله تعالى
وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً يعنى پرهيز كنيد از فتنه
و بلاخاصه بظالمان نميرسد بلكه شامل ميشود كه ظالمان كه ظلم بعضى خود شان با دنياب كنايان كرده اند بلاى عام
ميرسد و در آيت از عمر رضى الله عنه كشف كه حضرت رسول الله صلى الله عليه وسلم در سماكرده و فرموده باشد الله تعالى
پنج خصلت اند كه هيچ وقت آن متعلق شد بلا برسر شما نازل ميشود و پناه ميبرم بخدا كه برسد بشما
بدعت فاحشه يعنى آنرا بقوم عام شود و آن اعلان و اظهار فحش نهايت الا طاعون و الا وجاع كه پيشتر نبوده برايشان
بيكبار و ليسه ميشود و نيست قوم بقصد و پيمانه سنجيدن از اينان پيدا شود الا آنكه قوم بتغير و تنگ دستى و بيكار سلطان
برسد و پيشكار سعادت و معاش خراب شده و نيست قوم كه منع زكوة و نظر نكنند الا باران از آسمان شان منع ميشود و اگر بهائم
چهارپايان نميبود و نميبارد بر ايشان هيچ قوم كه در ايشان سود و سلف اظهار و ربا شود الا آنكه قصد ميكند خدا از قبل
و بدست قوم كه حكم كنند كه غير حق الا حق قبول و پنهان او ميكنند و عام شود بر ايشان چيزى كه بخشم خدا و رسول
كه روز

سكه روز قيامت صدى بيست و نه اجر دارد بيكى كه ادا كند امانت خود را پس الف بكوشد تا خيانت
نيست زيرا معلوم نيفتاد رشت پس امر صادق جلد و كه زنيه آورد بدوزخ ببرد راه كشف پس حضرت فرمود خيانت
امانت بيست و زن امانت بيست و بيمانه امانت بيست عروليت كه حضرت فرمود بيك از اهل دوزخ بيشتر
سپرده شود الشما و كه هلاك شده و در آخر امت تا سابقه پيش از شما عروليت كه قوم شعيب عليه السلام
باين بد شوم هلاك شده بر آنند ان من بنگريد بيركت حضرت رسول صلى الله عليه وسلم و دنيا رفع آن انواع كه رشته ها بيست تا سابقه
چون سيم خفى اصفهان فعل عجب رفع شده و از بضاعت ناچيز كشته وَالْاٰخِرَةُ اَشَدُّ
وَاَبْقٰى خوب عمل كنيد كه اصل چيزى شوم است كه از اشتهاى بسيار بقا نفس هلاك شده اند معلوم ميشود كه
بر سخت اشوم عروليت است صاحب اصل كه بقيه بيش حق را بفعل خود آن تعطى و بيرفع و تنگ دستى و جوع
سلطان اندازد آن سيصد كه شد كه از انس از مالك بن دينار عليه الرحمة منقول است كه كفت كسى را
ديدم اصبش آمد بود و در قسم سوگ كرد بيم كه نفعين بكند شما شما كنيم شروع كرد بنكرار كفتن جَلَبَانِ
مِنْ نَارٍ جَلَبَانِ مِنْ نَارٍ بعضى دو كوه آتشين بين كلمات را تكرار ميكرد كفتم با باى چه ميكوى جواب كفت
دو كيل داشتم يا يكى بزرك بود و خريدم و كوچك فروختم مالك كفت متى آيه تطفيف شنيدم بر خاسته ام بروم كيل را
بيكبار زدم تا ببرده و داشتم آمدم بسر اوفتاده و كفت يا مالك بروى ريكا بيكنيزند عادم عظيم تر شده و السم
شديد تر پيدا آمد بر سرى آن چنان تا مدتها فحوان شدم و خون بر او غلبه كرده از بعضى سلف صالحين
روايت شده و كفت لباوت بسيار كمى محشر قوم شروع بكفتن شهادت كرده تا دوبت يا اطاعه
جواب كفت زبانه نيز آن زبان من بر بالا كرفته كه با دهنم متصل شد و از نكفتن شهادت زبانم قطع كرده كفتم تو را بخدا
بنكر كه آيا سوكند ميدهم كه سخن لغو كرده اند يا نه كفت نه و ليكن مدتها در هوا زنده بمانات قوم بر اين
بنكرند تا كى شد مبالات بسخن نكرده و چنين دانسته بيوالسته تلفظ بكلمه شهادت بكنند و با بر خاك

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

برادر مؤمن بدان عزیز که هرگاه که مصیب این بلا شده ای که غیبت کار هستیم شده اند که تا گوشت
نفس ایشان تو چه بینی همچو حضور کسانی که همه خلق باو مبتلا گشته اند و غرض شان غیبت رسیده یکی اگر
مسلمان بچه ای بود ایشان گران اگر چه لب کم باشد حتی از عایشه رضی الله تعالی عنها روایت کرده که من نزد بحال
بودم گفتم این زن دراز دامن است رسول خدا صلعم فرمود بیرون آر آنچه خوردی پس بیرون آوردم یک پاره گوشت
لیکن چه گویم آن پاره گوشت مروی است که حضرت علیه الصلوة و السلام فرمود که آیا میدانید غیبت
چیست صحابه گفتند که خدا و رسول بهتر داند فرمود غیبت آنست برادر خود را ذکر کنی بچیزی که مکروه
او را گردد اگر چیزی در وی باشد غیبت است آنچه در وی نباشد بهتانست یعنی بهتان اینست که ذکر شده است
که هرکسی یاد کند بچیزی که در وی نباشد و او را معیوب سازد حضرت باری جل جلاله او را در جهنم حبس کند
ثبات بودن چیزی میکند که در حق او گفته است یعنی معلوم که محمل نشود اثبات بودن چیزی که
نگوید پس باید در دوزخ هشت هزار سال معذب باشد دیگر آنکه در که مدت بماند مرحمت در دوزخ
کنایت رانیست که بماند بقدر آن مدت که برای عذاب آن گناهی معین است و باشد معذب شود بهیچ جز کنایت
والله اعلم و در روایت پنج گناه که رسیده اند یکی بهتان به مؤمنان آورد و آیت به مؤمنان که در زمره غیبت نازل شده
پس احادیث شریفه و آن آیت تشبیه صاحب غیبت کرده اند بخورنده گوشت انسان مرده کرده اند
فرموده وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
یعنی غیبت میکنی گروهی از شما گروهی را و دوست میدارد و هیچ از شما که گوشت برادر
مرده خود بخورد از این آیه علم الیقین حاصل است و عین الیقین خوردن گوشت بر ما
واقع است که در زمان حضرت علیه الصلوة و السلام صدور یافته و از انس رضی الله

روایت شده که رسول الله صلعم روزی امر بروزه کرد و فرمود که هیچ کس افطار نکند تا من اذن دهم اورا
پس وقت افطار یکی آمد و رخصت افطار کرد و رخصت یافت تا مردی آمد گفت یا رسول الله دو زن آمده اند روزه
گرفته اند حیا میکنند که بحضرت بیایند ایشان را دستوری ده تا افطار کنند حضرت از وی اعراض کرد اینجا دوباره
تقریر کرد باز دیگر تقریر کرد باز آمد و گفت یا رسول الله از تشنگی حال ایشان تغییر شده نزدیک است هر دو زن بمیرند حضرت صلعم
قدحی طلب کرد و گفت یکی را بگو تا قی کن در لحظه آن زن قی کرد از دهن وی پاره گوشت میکرد تا قدح تمام شد
و دیگری همچنان پس حضرت فرمود که هر دو روزه داشته اند از آنچه خدا حلال کرده است و روزه گشاده اند بآنچه حرام کرده است
میخوردند پس فرمود این هر دو زن گوشت مردمان خورده اند مفصل این قصه در مکتوب هفتم عرض کرده ام
پس معلوم که گوشت خوردن مردم غیبت است اگر چه ظاهرا معلوم نیست اما در قیامت همه مفصل معلوم شود زیرا روایت شده
که هرکسی که غیبت برادر خود در دنیا کرده باشد در قیامت وی را مرده پیش آورند و امر کنند که این را بخور
که زنده بودی او را خورده ای پس بخورد و منقبض میشود و ترش شدن روی میکند و گریان از جهت منقبض قال الله تعالی
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا
تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا الخ یعنی دور باشید از بسیاری گمان بد بتحقیق که
گمان بد بمسلمانان بدترین گناه عظیم است که در حق خود میکند و هم تجسس نکنید زیرا که حق جل جلاله در این
آیه از غیبت و گمان بد که هر دو غیبت است بدل است و از تجسس مؤمنان منع و نهی فرموده و هر دو را بد گمانی
خطا و حدیث با تعبیرست زیرا که ایشان در محل عفو اند و ملک شکر پروردگار در محل عفو است اما هرگاه
اعتقاد دل و حکم دل بر دیگری بندی که از نفس ایشان است بر سر وی آن حق باطل باشد ایشان را تحقیق
چه بسا از نفس خود و هم کسی بر آن دیگری چنان که خود حقیقت کرده و او گناه بر پوشیده و سبب تجسس
آن است که اسرار و احوال ایشان را معلوم کند و العیوب خدا بر وی تو منکشف شده و تحقیق دل شما ...

[illegible] تحقیق آنست که جماعتی از سنت و جماعت خدا بخدا ری دوا طلاع یکران خلق نباد اوکوش هروایت بر چیز مسلمان بر
مسلمان حرام است خون او خون او مال او عرض او غیبت کردن عرض است برادر آن غیبت هم چنان بد است که خود
شروع او را بقتل و خون او مال جمع نموده فرموده غیبت میکند کردی از شما که برادر او فرموده حذر کنید از غیبت زیرا
که غیبت بدتر است از زنا بجهتی که مرد زنا میکند و توبه مینماید توبه اش قبول میشود اما غیبت آمرزیده نمیشود تا وقتی که
غیبت او را نیامرزد هروایت که رسول الله فرمود که شبی که مرا باسمان برده اند بر قومی گذر کردم که ناخنهای
خود را با خون میخواستند گفتم اینها کیستند گفته اند آنان که غیبت مسلمان کرده اند و طعن بر عرض ایشان
زده اند هروایت که سلمان بن حبیر گفتم آمدم پیش رسول الله و گفتم مرا چیزی بگو که خدا تعالی نفعی بدهد
حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که حقیر مدان چیزی از خیرات اگرچه آنکه بریزی از دلو خود در ظرف
کسی که طلب کند و هم آنکه برادر خود برای چیزی که بر نزد تو آمده برای او درست کنی وقت که رفت
غیبت او نکنید هروایت که حضرت فرمود یکروه که ایشان آورده اند بزبان و نخورده اند بدل غیبت مسلمان را
میکنند و تفحص از عیوب ایشان نمایید زیرا اگر کسی تفحص کند از عیب برادر خود خدا تبارک و تعالی تفحص میکند
بعیب خود تا رسوا میکند او را در میان خانه خود او را رسوا میکند خدا از عیب او تفحص کند
خدا و تعالی او را رسوا میکند در آن در میان خانه خود از اهل رفض الله تعالی فرمود که شاه ولایت که کشف بعیب علیه السلام
خطبه خواند در حق او ذکر کرده امر عظیم شرد فرمود در حدیث محمد حدیث از زبان کشف او نزد خدا بزرگ است
از سر دشمن مرتد زنا کردن آن مرد بخدا هروایت که زنا بهشتاد و دو بلیت اول ننگ آن بهشتاد و دو باب بیشتر آن
ایشان ان الرجل اصله یعنی ننگ آنکس است که زنا خورد زنا کند بهشتاد و دو مرتبه بدترین آن او مرتبه
بهشتاد و دو بالاترین آن مرتبه زنا است از جابر رضی الله عنه هروایت که با پیغمبر بر سر رد قرآمدند و غیبت
قبیله بودند پس گفت میدانید که این ناز را بر سر کنای گیرید بزرگ بودند عذاب بسیار شدید بلکه یکی

از بنی

از بنی غیبت مسلمان کرده اند دیگری خود را از نوبل پاک نکرده چوب تر طلب کرد او را لگت میزد مرد
که هر یکی از بر سر کنای نشسته و حب العروسه رسول عمل کرد این چوب عذاب اینها را سبک میکرد اند
تا دام تر باشد و خشک نشود نظر آن من بنگرید که فرموده سبک میکند نظر موده وضع عذاب میشود هروایت
که حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که زنا کرده نزدیک بر حمت خدا است نه مرد که غیبت کند مرد یکی
رفیق گفت که ایزد در جا مرده است چنانچه که سگ مرده است پس در راه با رسول الله تو دم بچه رسیدم
حضرت رسول الله از ان نقد بگرید جواب گفته یا رسول الله این چیزی نمی توانم بخریم پیغمبر گفت آنچه
برادرش بشنید رسید و این چیز گندیده تر بود از این حدیث چنان معلوم میشود که مستمعان غیبت شریک غیبت کننده است
زیرا حضرت سبحانه و تعالی امر کرد بگندیدن چیزی هروایت که اگر کسی نجس را زایل کند و او را پاک کند
نصرت او و لعنت نماید خدا تعالی روز قیامت علی رؤوس الخلائق او را زایل کرد اند نقل است
که صحابه غیبت یکدیگر نمیکردند و ایزد از فضل اعمال خود شان منتشر و ند خلاف آن بعبادت رمضان سید
نشد بعضی گفته اند که سلف صالحین دیدیم و نکه نداشتیم و الیشان بی بی و ثواب شمار و بهر سید
در خانه و روزه نمیدیدند ولیکن از سنع نفس از اعراض مردمان می ترسند هروایت امام مجاهد
علیه الرحمه فرموده که وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الذی طعن زننده مردمان می خوانند که ویل
وادیست از جهنم که اگر همه کوههای دنیا در وی اندازند بزودی آنرا بدل خاکستر گردانیده شود و از
که عذاب چیزی است و نفی از بول است و نفی از غیبت و من لدنی علیه الرحمه گفته که کوه آتش
مسلمان غیبت کند بحقیقت نیز سد مالک بن دینار گفته که عیسی علیه السلام با حواریان بگفته سگ گذر کرد
آن یک نهی فرمود و فرمود چه سخت سفید است دندان او مقصود عیسی آن بود که هیچ چیز از مجلس چنین
نباید دگر نشود مگر بخوبی هروایت که عیسی علیه السلام با حضرت رسول بودیم گذر بر سر [illegible]

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا

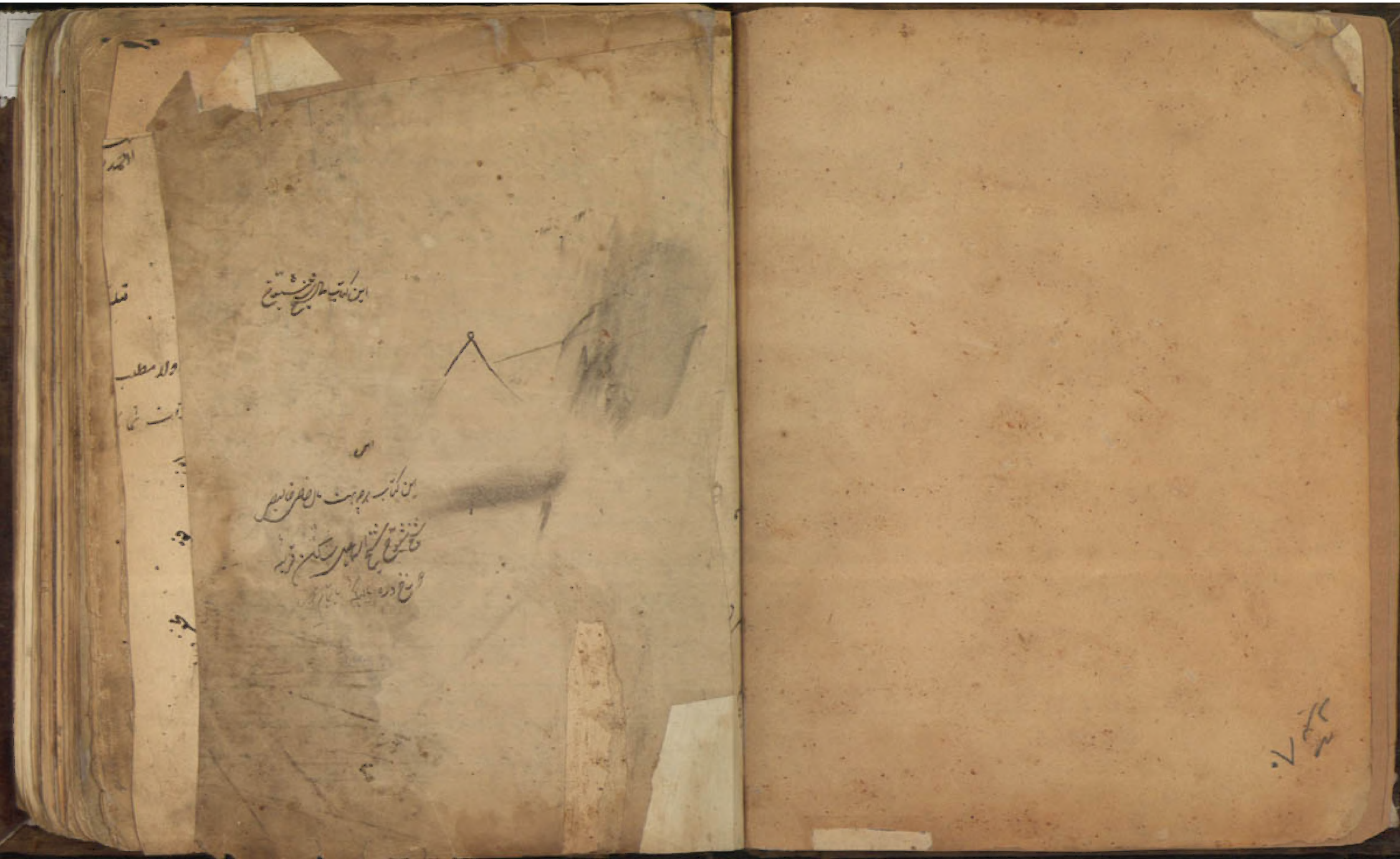

۲۲۱۲